

وضعیت اجتماعی-جمعیتی مهاجران خارجی در مقایسه با ایرانی‌ها، ۱۳۹۵

محمد شیری^{†*} و رسول صادقی[‡]

[†] پژوهشکده آمار

[‡] دانشگاه تهران

چکیده. مهاجرت خارجی به دلیل تفاوت ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور مبدأ و مقصد و مکانیزم‌های متفاوت و پیچیده تأثیرگذاری آن بر تحولات اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی کشور مقصد از اهمیت بالایی برخوردار است. از این‌رو، سیاست‌گذاری اجتماعی در جهت مواجهه با این پیامدها اهمیت دارد. گام اول در این راستا، شناسایی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران خارجی و مقایسه آن با اتباع ایرانی است. برای این هدف، از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ و اطلاعات طرح آمارگیری بهره‌مندی از خدمات سلامت ۱۳۹۴ استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که برخورداری از ساختار سنی جوان، برتری تعداد مردان بر زنان در کل گروه‌های سنی، بالا بودن میزان اشتغال و در مقابل پایین بودن سطح بیکاری، سطح پایین تحصیلی، برخورداری بسیار پایین از تأمین اجتماعی (برخورداری از بیمه پایه و مکمل) از مهم‌ترین ویژگی‌های اتباع خارجی در ایران است. بطور کلی، ایران در چند دهه‌ی اخیر، نه تنها مهاجرانی به سایر کشورها فرستاده، بلکه در معرض جریان‌ات مهاجرتی اجباری از سایر کشورها بویژه کشورهای همسایه (افغانستان و عراق) بوده است. تمرکز مهاجران خارجی در چند کلانشهر کشور، افزایش جریان و حضور مهاجران افغانستانی بدون مدرک به کشور بعد از بازگشت دوباره طالبان به قدرت، و ظهور و گسترش نسل‌های دوم و سوم مهاجران در ایران از چالش‌های مدیریت مهاجرت در کشور می‌باشند.

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱، پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۹.

واژگان کلیدی: مهاجران خارجی، تابعیت، مشارکت اقتصادی، تأمین اجتماعی.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تغییرات و پویایی جمعیت، مهاجرت است. مهاجرت در مقایسه با سایر مؤلفه‌های پویایی جمعیت چه از منظر مطالعه تعیین‌کننده‌ها و چه از منظر مطالعه فنی و گردآوری داده و اطلاعات از اهمیت و پیچیدگی بالایی برخوردار است. در مطالعه رشد جمعیت، به دلیل حجم تأثیرگذاری مهاجرت در رشد جمعیت در دوران ثبات تغییرات رشد جمعیت و همچنین به دلیل مشکلات مرتبط با گردآوری اطلاعات کمتر از سایر مؤلفه‌های پویایی جمعیت در مطالعات جمعیتی و آینده‌نگری جمعیت مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال، مهاجرت هم به طور مستقیم از طریق تغییرات تعداد جمعیت و هم از طریق تأثیر بر سایر مؤلفه‌های پویایی جمعیت در بستر تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی بر رشد جمعیت تأثیرگذار است. از این رو مطالعه مهاجرت علاوه بر تأثیر آن بر رشد جمعیت بر پیامدهای اقتصادی، اجتماعی مهاجرت نیز متمرکز است.

مهاجرت‌های خارجی به دلیل تفاوت ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور مبدأ و مقصد و مکانیزم‌های متفاوت و پیچیده تأثیرگذاری آن بر تحولات اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی کشور مقصد از اهمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای بالاست که محققان و اندیشمندان حوزه مطالعات مهاجرت به طرح موضوعاتی همچون وقوع گذار جمعیتی سوم [۳۴] و نام‌گذاری عصر جدید تحت عنوان عصر مهاجرت [۳۳] پرداخته‌اند.

امروزه مهاجرت بین‌المللی^۱، نقش برجسته و اساسی در پویایی جمعیت، تعادل بازارهای کار، تداوم توسعه و تسریع فرایندهای نوسازی و جهانی‌شدن^۲، پیوند و ارتباطات فرهنگی جوامع مبدأ و مقصد و در نظام جهانی ایفاء می‌کند. از این رو، همه کشورهایی که در معرض مهاجرت‌های بین‌المللی قرار دارند، به دنبال اتخاذ سیاست‌هایی هستند تا بتوانند مدیریت کارآمدی بر پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجرت خارجی داشته باشند.

با وجود تمرکز بیشتر محققان و سیاست‌گذاران برای مطالعات مهاجرت خارجی و پیامدهای آن در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اطلاعات و داده‌های کافی و دقیقی در این رابطه تولید نمی‌گردد. در ایران تنها منبع اطلاعات در دسترس که می‌توان بر اساس آن به پدیده مهاجرت خارجی از نظر حجم و اندازه، علل و عوامل و پیامدهای آن

پرداخت، اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن است. فقدان سازمان‌های متولی تولید داده‌های مهاجرت خارجی و عدم تعهد در تولید داده، نبود چارچوب مشخص در تولید اطلاعات و همچنین کمبود منابع و امکانات از موانع گردآوری داده‌ها بوده است. ایران در بستر تاریخی خود همواره کشوری در معرض جابجایی‌ها و مهاجرت‌های خارجی بوده است، اما در دهه‌های اخیر الگوی علل و ترکیب مهاجرت خارجی سبب شده است تا بیش از پیش به این پدیده توجه گردد. در نیم قرن اخیر مهاجرت خارجی بخشی از جمعیت ایران را تشکیل داده است. سرشماری ۱۳۳۵، ۴۴,۷۶۹ نفر، در سال ۱۳۴۵، ۵۷,۱۱۵ نفر و بالاخره در سال ۱۳۵۵، ۱۷۸,۹۱۱ نفر مهاجر خارجی در ایران سرشماری شده‌اند. از این رو، در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ تعداد مهاجران خارجی در ایران افزایش یافته و حدود ۴ برابر شده است. این تعداد در دهه اول بعد از انقلاب افزایش قابل توجهی یافت و به بیش از ۸۵۰ هزار نفر رسید. بر اساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵، حدود ۱ میلیون ۶۵۰ هزار نفر تبعه خارجی در کشور ساکن بوده‌اند.

روند تغییرات افزایشی تعداد مهاجران خارجی در ایران به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته است. اغلب تحقیقات انجام شده در این حوزه بر این امر اذعان دارند ([۲۵]، [۲۴]، [۱۹]). اگرچه تحقیقات متعددی در رابطه با وضعیت مهاجران خارجی در ایران انجام شده است، اما به دلیل تغییرات شرایط اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مهاجران خارجی مطالعه مداوم تغییرات در حجم و اندازه، ویژگی‌های اقتصادی همچون مشارکت اقتصادی، وضعیت اشتغال و بیکاری، ویژگی‌های اجتماعی همچون سطح تحصیلات و خاستگاه سکونت، ویژگی‌های جمعیتی همچون تحولات ساختار سنی، و رفتارهای باروری ضرورت انجام تحقیقات بیشتر و جامع‌تر را نمایان می‌سازد.

پرواضح است که پایه و اساس سیاست‌گذاری مهاجرتی شناخت ابعاد و ویژگی‌های مهاجران خارجی است. اگرچه اطلاعات کاملی در رابطه با مهاجران خارجی در ایران وجود نداشته و با محدودیت مواجه است، اما علیرغم وجود کم‌شماری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن یکی از مهم‌ترین منابع داده‌ای است که در بررسی ویژگی‌های مهاجران خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سؤال اساسی است که وضعیت اقتصادی (ساختار مشارکت اقتصادی و اشتغال)، اجتماعی (سطح تحصیلات، خاستگاه سکونت، تأمین اجتماعی و ...) و جمعیتی (ساختار سنی و جنسی،

وضعیت باروری،...) مهاجران خارجی چگونه است؟ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مورد مطالعه مهاجران خارجی تا چه حد با ویژگی‌های اتباع ایرانی انطباق دارد؟ و تفاوت‌های منطقه‌ای این ویژگی‌ها از چه الگویی برخوردار است؟

۲- پیشینه تحقیق

نظریات متعدد و ادبیات قابل توجهی در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی در چند دهه اخیر به دلیل افزایش جریانات مهاجرتی و پیامدهای آن توسعه یافته است. گیدنز معتقد است در عصر جهانی‌شدن و دگرگونی‌های پرشتاب، مزایای بی‌شمار و چالش‌های بغرنج تنوع قومی در برابر شمار روبه رشدی از دولت‌ها قرار دارد. مهاجرت بین‌المللی همراه با ادغام شدن و یکپارچگی اقتصاد جهانی شتاب بیشتری می‌گیرد؛ حرکت و اختلاط جمعیت‌های انسانی ظاهراً در سال‌های آتی بیشتر خواهد شد. در همین حال، آتش تنش‌ها و تعارض‌های قومی نیز همچنان در جوامع سراسر جهان زبانه می‌کشد، و بعضی از کشورهای چندقومیتی را به از هم پاشیدن تهدید می‌کند و برخی را در معرض رواج خشونت‌های مهارناپذیر قرار می‌دهد. چگونه می‌توان تنوع قومی را تاب آورد و از بالا گرفتن تعارض‌های قومی پیشگیری کرد؟ در جوامع چند قومیتی چه رابطه‌ای میان گروه‌های اقلیت قومی و اکثریت جمعیت باید وجود داشته باشد؟ سه مدل اساسی برای ادغام قومی مهاجران وجود دارد که برخی از جوامع چند قومیتی در برابر این چالش‌ها از آن‌ها استفاده کردند: همانندگردی، کوره ذوب، و کثرت‌گرایی [۱]. اولین مسیر، همانند شدن است، به این معنا که مهاجرانی که وارد یک جامعه می‌شوند دست از آداب و رسوم و کردارهای اولیه خود بردارند و رفتار خود را بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل دهند. رهیافت طرفدار همانند شدن خواستار این است که مهاجران زبان و پوشاک و سبک زندگی و نگرش‌های فرهنگی خود را تغییر دهند تا در نظم اجتماعی جدید ادغام شوند. مدل تئوریک حاصل از این پارادایم از این جهت تک بعدی، تک جهتی یا خطی یک‌طرفه نامیده می‌شود، که آن مبتنی بر مدل تک فرهنگی است و تنها یکی از الگوهای سازگاری یعنی همانند شدن را توصیف می‌کند. پیش‌فرض اصلی آن این است که مهاجران به‌طور اجتناب‌ناپذیری فرهنگ مبدأشان از دست می‌دهند و فرهنگ جامعه میزبان را اقتباس می‌کنند و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی همانند جامعه میزبان می‌شوند.

نظریه‌پردازان و طرفداران مدل تک‌خطی سازگاری اجتماعی بر این عقیده‌اند که همانند شدن طی مراحل متعددی در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی (زبانی، اجتماعی، اقتصادی، مدنی و قانون‌گذاری و غیره) رخ می‌دهد [۳۸]. برای مثال، گوردون [۳۹] به هفت بعد یا مرحله در فرایند همانند شدن شامل:

(۱) همانندی فرهنگی یا فرهنگ پذیری، (۲) همانندی ساختاری، (۳) همانندی نکاحی، (۴) همانندی هویتی، (۵) همانندی نگرشی، (۶) همانندی رفتاری و (۷) همانندی مدنی اشاره می‌کند.

مدل دوم، مدل کوره ذوب است. در این مدل به جای آنکه سنت‌های مهاجران به نفع سنت‌های غالب از میان برود، این دو سنت در هم می‌آمیزند تا الگوهای فرهنگی جدید و تحول‌یافته‌ای ایجاد کنند. نه فقط هنجارها و ارزش‌های فرهنگی مختلفی از خارج «وارد» جامعه می‌شود، بلکه وقتی گروه‌های قومی خود را با محیط اجتماعی بزرگ‌تری که وارد آن می‌شوند منطبق می‌سازند، تنوع و گوناگونی بیشتری به وجود می‌آید. خیلی‌ها بر این عقیده بوده‌اند که مدل کوره ذوب مطلوب‌ترین برآیند تنوع قومی است. سنت‌ها و آداب و رسوم جمعیت‌های مهاجر ترک نمی‌شود، بلکه در شکل دادن به محیط اجتماعی پیوسته در حال پویایی سهم می‌شود. شکل‌های مختلط آشپزی، مد، موسیقی و معماری جلوه‌هایی از رهیافت کوره ذوب هستند.

مدل سوم، کثرت‌گرایی فرهنگی است. از این منظر، بهترین راه این است که از ایجاد جامعه متکثر حمایت کنیم که در آن اعتبار و اهمیت مساوی برای خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متفاوت به رسمیت شناخته شود. رهیافت کثرت‌گرا گروه‌های اقلیت قومی را همچون سهامداران هم‌پایه در جامعه تلقی می‌کند، به این معنا که آن‌ها از حقوقی مشابه حقوق اکثریت جمعیت برخوردارند. تفاوت‌های قومی به منزله‌ی مؤلفه‌های حیاتی زندگی کل ملت مورد احترام و تجلیل قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی، مهم‌ترین مسئله‌ای که در حوزه پیامدهای مهاجرت در جامعه مقصد قابل توجه است، به مواجهه فرد با ابعاد مختلف جامعه مقصد برمی‌گردد. این مواجهه می‌تواند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. بدون شک فرهنگ پذیری که زمینه‌ساز انطباق فرد مهاجر در حوزه‌های دیگر است، مهم‌ترین است. در جوامعی که از فرهنگ‌های مختلفی تشکیل شده و تکثر فرهنگی نیز وجود دارد، فرهنگ پذیری مهاجرین و مکانیسم آن، موقعیت مهاجرین را در آن جامعه شکل می‌دهد.

در قالب استراتژی‌های سازگاری، فرهنگ پذیری یک فرآیند یادگیری است که از آن طریق فرد در یک زمینه اجتماعی- فرهنگی جدید، زندگی را شروع می‌کند. در واقع این فرآیند فرهنگ پذیری از اجتماعی شدن اولیه که در جامعه قبلی رخ داده بود، به وجود می‌آید. این فرآیند هم برای تعداد زیادی از گروه‌ها مثل مهاجرین که با جامعه بزرگ‌تر تماس‌های روزانه دارند، اتفاق می‌افتد. فرهنگ پذیری یک فرآیند مداوم و متقابلی است و تمامی افرادی را که در یک جامعه متکثر فرهنگی زندگی می‌کنند، در بر می‌گیرد.

جان بری [۳۰] معتقد است که استراتژی‌های فرهنگ پذیری تحت تأثیر عوامل سبک‌های شناختی، شخصیت، هویت، نگرش و فشارهای فرهنگ پذیری هستند. بوریس و همکاران [۳۲] مدل فرهنگ پذیری تعاملی را مطرح کردند که یک چارچوب فراگیر و سودمندی را مدنظر قرار می‌دهد. تأکید این مدل هم بر نقش انتظارات فرهنگ پذیری جامعه میزبان بوده و هم به جهت‌گیری‌های فرهنگ پذیری که توسط مهاجران اتخاذ می‌شود. بوریس پنج استراتژی فرهنگ پذیری را با تکیه بر رویکرد تعاملی انتظارات فرهنگ پذیری جامعه میزبان و مهاجران ارائه می‌کند. استراتژی همانندگرایی، جدایی و یکپارچگی با استراتژی بری هماهنگ است. ولی دو استراتژی حصرگرایی و فردگرایی جایگزین استراتژی حاشیه‌نشینی شده است. به عقیده بوریس استراتژی یکپارچگی رویکردی انطباق پذیر است که شهروندان جامعه میزبان معتقدند مهاجران شایستگی این را دارند که به طور همزمان، هم میراث فرهنگی خودشان را حفظ کنند و هم جنبه‌هایی از فرهنگ ملی جامعه مقصد را اتخاذ کنند. آن‌هایی که از این استراتژی حمایت می‌کنند، معتقدند که جامعه با یک تکامل تدریجی به سوی چندفرهنگی شدن به پیش می‌رود. شهروندان جامعه میزبان که از استراتژی جداسازی حمایت می‌کنند، معتقدند جداسازی فرهنگ‌های مهاجران از مسیر اصلی جامعه، بیشترین سود را برای جامعه بزرگ‌تر به ارمغان می‌آورد. آن‌هایی که طرفدار استراتژی همانندگردی هستند، تمایل دارند تا مهاجران فرهنگ موروثی سرزمین مادری‌شان را به نفع فرهنگ جامعه بزرگ‌تر کنار بگذارند. دیدگاه حصرگرایی معتقد است که مهاجرت و مهاجران برای اجتماع ملی خطرناک بوده و کشور باید خط‌مشی درهای بسته را در مورد مهاجران اعمال کند. سرانجام استراتژی فردگرایی که طرفداران آن معتقدند تنها یک راه درست برای مدیریت موضوعات مربوط به هویت وجود ندارد و از دیدگاه آن‌ها افراد باید قدرت این را داشته باشند تا هر استراتژی را که به نظرشان سودمند است، انتخاب کنند [۱].

اگرچه مهاجران استراتژی یکپارچگی را در رابطه با فرهنگ پذیری دنبال می‌کنند ولی انتظارات جامعه مقصد بر همانندی مهاجران با فرهنگ جامعه مقصد اعم از زبان و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است. اما اعتقاد بر تعامل دو گروه ذی‌نفع (مهاجران و جامعه مقصد) در این مهم از برتری نظرات هر کدام از دو گروه کاسته و زمینه را برای درک واقع‌بینانه از تحولات فرهنگ پذیری مهاجران فراهم می‌سازد.

یکی از نظریاتی که تمایزات اجتماعی، تفاوت‌های نسلی در فرهنگ پذیری و استراتژی‌های آن را مطرح می‌کند نظریه همانندشدن بخشی است. نظریه همانندشدن بخشی توسط پورتز و همکاران‌اش ([۴۹] و [۵۰]) مطرح شد. نظریه اخیر، یک چارچوب تئوریک برای درک و تحلیل فرایند ملحق‌شدن نسل دوم جدید -فرزندان مهاجرین معاصر- به درون نظام قشربندی جامعه میزبان و نتایج متفاوت این فرایند، ارائه می‌کند. پورتز و زائو [۴۹] و پورتز و رومبات [۵۰] برای فرزندان مهاجرین بعد از ۱۹۶۵، سه نوع الگوی متفاوت سازگاری - همانندشدن، همانندشدن بخشی و همانندزدایی^۳ - را مطرح کرده‌اند. اولین الگو، در واقع همان پیش‌فرض تئوری کلاسیک همانندی قبل از ۱۹۶۵ را دنبال می‌کند. بدین صورت که برخی از فرزندان مهاجرین معاصر، خیلی سریع با هنجارهای فرهنگ طبقه متوسط^۴ غالب (مسلط) همانند می‌شوند و در نتیجه تحرک اجتماعی صعودی^۵ را تجربه می‌کنند. دومین الگو، همانند شدن با هنجارهای طبقه پایین^۶ جامعه میزبان را مطرح می‌کند. فرزندان یا نسل دوم مهاجرانی که این الگو را دنبال می‌کنند، اغلب در نواحی فقیرنشین شهر زندگی می‌کنند و در این نواحی تماس و ارتباط نزدیکی با اقلیت‌های بومی دارند و در نتیجه آن‌ها همانندی رو به پایین را تجربه می‌کنند. در نهایت سومین الگوی سازگاری اجتماعی (همانند زدایی)، بیان می‌کند که نسل دوم مهاجران به ارزش‌های ریشه‌دار در فرهنگ بومی‌شان معتقد هستند و با حفظ انسجام و همبستگی قوی و محکم خود در درون اجتماع قومی‌شان در جامعه مقصد، به دستاوردها و موفقیت‌های اقتصادی اجتماعی سریعی دست پیدا کرده‌اند.

پیامدهای مهاجرت خاصه مهاجرت‌های بین‌المللی در ابعاد مختلفی قابل بررسی است. اهمیت مطالعه این پیامدها برای جامعه مقصد از اهمیت بالایی برخوردار است. فرهنگ پذیری و اتخاذ استراتژی‌های آن از سوی مهاجران و در تعامل با جامعه مقصد نقش مهمی در بروز پیامدها و شدت تأثیرگذاری آن دارد. اما یکی از مهم‌ترین پیامدهایی که مهاجرت در جامعه مقصد دارد، تأثیری است که بر ترکیب جمعیتی و ساختار اجتماعی دارد. این

مهم به خصوص در مهاجرت‌های بین‌المللی که زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و جمعیتی متفاوتی دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. تفاوت در الگوی سنی مهاجران با ساختار سنی جمعیت مقصد، تفاوت در الگوی ازدواج، ترکیب خانواده، سطح تحصیلات، وضع فعالیت جمعیت مهاجران با جامعه میزبان از این حیث دارای اهمیت است. در این تأثیرگذاری‌ها آنچه بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند، ویژگی‌های مهاجران است. به عبارتی این ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران است که می‌تواند جهت و شدت این تأثیرگذاری‌ها را در جامعه میزبان تبیین کند.

از این رو، شناخت وضعیت مهاجران و بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های مهاجران خارجی در جامعه میزبان (کشورهای مهاجرپذیر) از اهمیت زیادی در مطالعات مهاجرتی برخوردار است. در ایران، پژوهش‌هایی در خصوص ابعاد حقوقی مهاجرت خارجی ([۷]، [۶])، بازگشت یا ماندن مهاجران خارجی و عوامل مؤثر بر آن ([۵]، [۴]؛ [۲۶]؛ [۲۷]؛ [۲۸]؛ [۲۵])، ادغام و انطباق مهاجران با جامعه ایران ([۱۹]؛ [۲۴])، تغییرات هویتی، ادغام و بازگشت نسل دوم مهاجران [۲۵]، اعتماد درون‌گروهی و بیرون‌گروهی مهاجران افغانستانی [۱۵]، وضعیت برخورداری از منابع مهاجران خارجی [۹]، بهداشت روانی و سلامت جسمانی مهاجران خارجی ([۲۱]؛ [۲۰])، آسیب‌شناسی اجتماعی [۸]، بهداشت باروری و تنظیم خانواده [۳]، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران خارجی با تکیه بر نتایج سرشماری نفوس و مسکن ([۱۱]؛ [۱۴]؛ [۲]) انجام شده است.

به‌طورکلی، مطالعات اشاره شده در خصوص عوامل تأثیرگذار بر احتمال بازگشت مهاجران و سیاست‌ها و رژیم‌های سیاستی در این رابطه، مشخصه‌های فردی و جمعیت‌شناختی مهاجران، ادغام و سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از تحقیقات نیز بر ویژگی‌های مهاجران خارجی در ایران متمرکز شده‌اند. با این حال، تداوم مطالعه‌ی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی از طریق فراهم‌سازی رصد تغییرات ویژگی‌های مهاجران خارجی، این امکان را برای سیاست‌گذار جهت اعمال اقدامات مداخله‌ای فراهم می‌سازد. بر این اساس، هدف تحقیق حاضر مطالعه تطبیقی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران خارجی با اتباع ایرانی و فراهم‌سازی زمینه‌های شناختی برای رصد تغییرات این ویژگی‌ها با مقایسه مطالعات پیشین است.

۳- داده و روش

روش تحقیق این پژوهش روش تحلیل ثانویه است. داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن بهترین و تنها منبع اطلاعاتی است که در رابطه با مهاجران خارجی است و امکان مطالعه ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را فراهم می‌سازد. مهم‌ترین منبعی که اطلاعات داده‌ای را برای این پژوهش فراهم ساخته است مشتمل بر دو نوع مجموعه داده است؛ داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ و اطلاعات طرح آمارگیری بهره‌مندی از خدمات سلامت ۱۳۹۴. بر این اساس، متغیرهای مرتبط با ساختار سنی و جنسی (توزیع سنی و جنسی، هرم سنی، نسبت جنسی)، ویژگی‌های تحصیلی (میزان باسوادی، سطح تحصیلات)، ساختار مشارکت اقتصادی (میزان مشارکت اقتصادی، میزان اشتغال و میزان بیکاری)، وضعیت زناشویی، وضعیت باروری (میزان باروری کل و میزان باروری ویژه سنی به تفکیک خاستگاه سکونت)، توزیع منطقه‌ای و خاستگاه سکونت از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ استخراج شده است. همچنین متغیر وضعیت تأمین اجتماعی (برخوردار از بیمه پایه و مکمل) نیز از اطلاعات طرح آمارگیری بهره‌مندی از خدمات سلامت ۱۳۹۴ بوده است.

۴- یافته‌ها

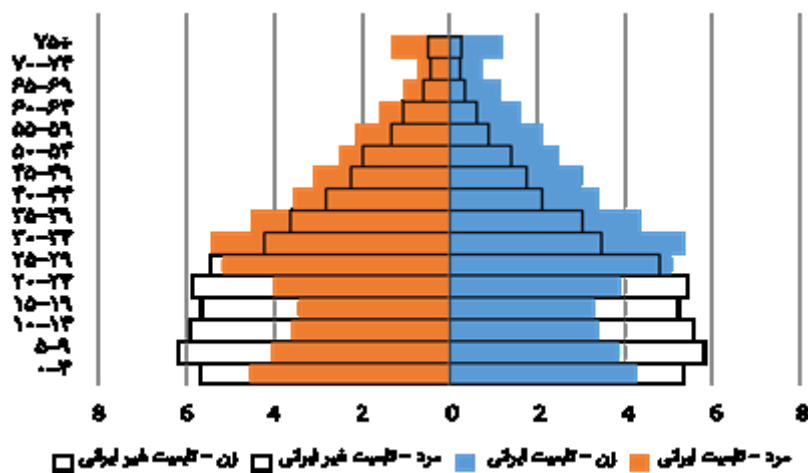
۴-۱- وضعیت جمعیت‌شناختی مهاجران خارجی در ایران

جدول ۱ توزیع نسبی جمعیت مهاجران خارجی به تفکیک جنس را نشان می‌دهد. نسبت جنسی به عنوان شاخصی که نشان‌دهنده نسبت مردان در مقایسه با زنان در یک جامعه است، حکایت از برتری تعداد مردان بر زنان در بین کل مهاجران خارجی دارد. به عبارتی می‌توان گفت که مهاجرت بین‌المللی در ایران بیش‌تر مردگزين بوده است. با این وجود، تفاوت‌های بین گروهی از نظر نسبت جنسی مهاجران خارجی وجود دارد. اتباع ترکیه‌ای در مقایسه با سایر مهاجران خارجی از نسبت جنسی بیش‌تری برخوردارند. به عبارت دیگر، به ازای ۱۰۰ زن تبعه ترکیه در ایران ۱۵۰ مرد زندگی می‌کنند. برتری تعداد مردان بر زنان مهاجران خارجی در بین اتباع افغانستانی از شدت کمتری برخوردار بوده است. به طوری که در ازای ۱۰۰ زن افغانستانی، ۱۱۴ مرد افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند که نشان می‌دهد مهاجرت‌های خانواری در بین اتباع افغانستانی بیش‌تر رواج داشته است.

جدول ۱- توزیع نسبی جمعیت اتباع غیر ایرانی به تفکیک جنس و تابعیت، ۱۳۹۵

نسبت جنسی	درصد		تعداد			تابعیت
	مردان	زنان	مرد و زن	مرد	زن	
۱۱۴/۴	۵۳/۴	۴۶/۶	۱۵۸۳۹۷۹	۸۴۵۲۶۷	۷۳۸۷۱۲	افغانستان
۱۳۳/۲	۵۷/۱	۴۲/۹	۳۴۵۳۲	۱۹۷۲۵	۱۴۸۰۷	عراق
۱۳۸/۹	۵۸/۱	۴۱/۹	۱۴۳۲۰	۸۳۲۷	۵۹۹۳	پاکستان
۱۵۱	۶۰/۲	۳۹/۸	۷۱۳	۴۲۹	۲۸۴	ترکیه
۱۴۰	۵۸/۳	۴۱/۷	۲۰۸۴۴	۱۲۱۶۱	۸۶۸۳	سایر کشورها
۱۱۵	۵۳/۵	۴۶/۵	۱۶۵۴۳۸۱	۸۸۵۹۰۹	۷۶۸۴۷۹	جمع کل

شکل ۱ نشان‌دهنده توزیع و ترکیب سنی جمعیت اتباع ایرانی و غیرایرانی در سال ۱۳۹۵ است. مقایسه هرم سنی اتباع ایرانی و غیرایرانی نشان می‌دهد که مهاجران خارجی ساختار جوان‌تری نسبت به اتباع ایرانی دارند. بخش قابل‌توجهی از مهاجران خارجی در سنین زیر ۳۰ قرار دارند.

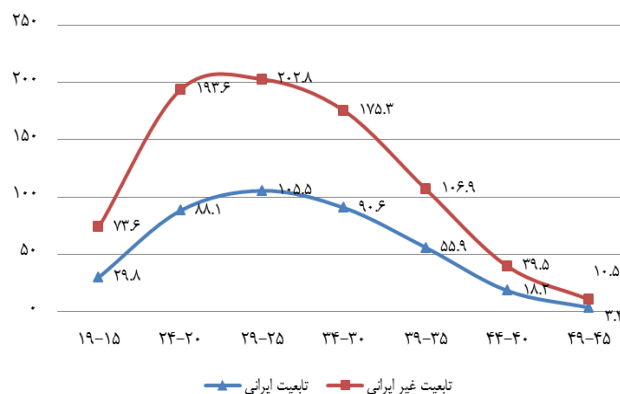


شکل ۱- هرم سنی جمعیت به تفکیک زن و مرد و اتباع ایرانی و خارجی، ۱۳۹۵

با توجه به اینکه عمده علت مهاجرت مهاجران خارجی به ایران برای دستیابی به موقعیت شغلی بوده است، بدیهی است که ساختار سنی جوان‌تری داشته باشد. علاوه بر این، میزان

باروری کل بالای زنان مهاجران خارجی در مقایسه با زنان ایرانی یکی از مهم‌ترین دلایل بالا بودن تعداد جمعیت گروه سنی ۴-۰ و ۹-۵ سال در بین اتباع غیر ایرانی در مقایسه با اتباع ایرانی است. با توجه به اینکه بیش از ۹۵ درصد از جمعیت مهاجران خارجی را اتباع افغانستانی تشکیل می‌دهد، بدیهی است که ساختار سنی مهاجران خارجی تأثیرپذیری زیادی از ساختار سنی اتباع افغانستانی دارد.

الگوی باروری ویژه سنی اتباع ایرانی و غیرایرانی (شکل ۲) نشان می‌دهد که سطح باروری ویژه سنی مهاجران خارجی در مقایسه با اتباع ایرانی در همه گروه سنی زنان بالاتر است. پیک باروری ویژه سنی زنان مهاجران خارجی در سنین ۲۴-۲۰ و ۲۵-۲۹ است. درحالی‌که پیک باروری ویژه سنی زنان اتباع ایرانی در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال است. بنابراین، متوسط سن فرزندآوری در بین زنان اتباع خارجه در مقایسه با زنان اتباع ایرانی پایین‌تر است. الگوی باروری ویژه سنی زنان اتباع ایرانی حکایت از تأخیر در فرزندآوری بوده و زنان بخشی از فرزندان خود را در سنین پایانی باروری به دنیا می‌آورند. درحالی‌که زنان مهاجران خارجی فرزندان خود را در سنین اولیه فرزندآوری به دنیا آورده‌اند.



شکل ۲- میزان باروری ویژه سن به تفکیک تابعیت برای سال ۱۳۹۵

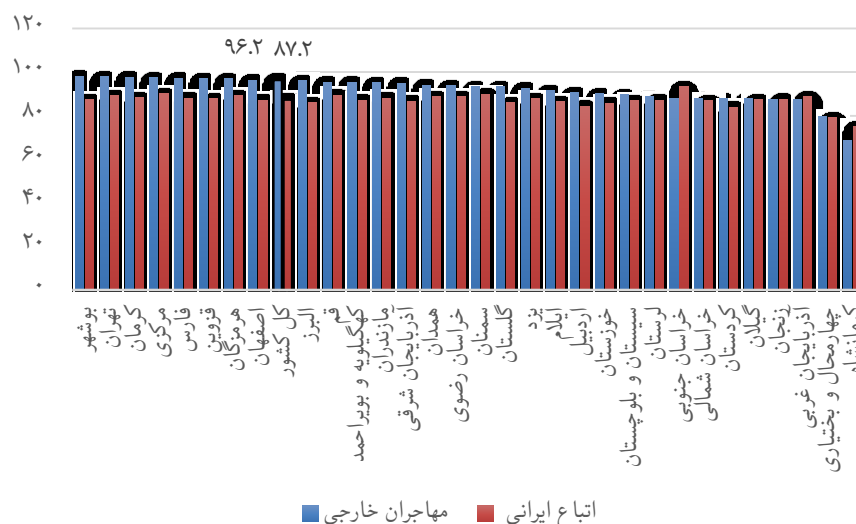
۴-۲- وضعیت اقتصادی مهاجران خارجی در ایران

نیروی کار یکی از مهم‌ترین محرکه‌های رشد اقتصادی است. با فرض ثابت بودن سرمایه در اقتصاد کشور، اشتغال نیروی کار می‌تواند نشان‌گر کاربرد بودن تولید در اقتصاد یک کشور باشد. مطالعه مقایسه‌ای این میزان‌ها در بین اتباع ایرانی و غیرایرانی می‌تواند نقش آنان را در اقتصاد یک کشور نشان دهد. با این وجود، بایستی به این مهم توجه نمود که مهاجران خارجی به دلایل محدودیت قانونی، ماهیت مشاغلی که بدان‌ها می‌پردازند و دستمزد پایین‌تری که در بازار رقابتی کسب می‌کنند از سهم بالاتری از اشتغال برخوردارند. مع الوصف، در ادامه به تحلیل ملی و استانی میزان اشتغال و بیکاری اتباع ایرانی و خارجی در قالب شکل ۳ ارائه می‌گردد. در سطح ملی تفاوت معنی‌داری از نظر میزان اشتغال و بیکاری اتباع ایرانی و غیرایرانی وجود دارد. مهاجران خارجی میزان اشتغال بالاتری از اتباع ایرانی را دارا هستند و به تبع آن میزان بیکاری پایین‌تری نیز دارند. میزان بیکاری اتباع ایرانی ۱۲/۷۴ و میزان بیکاری مهاجران خارجی ۳/۸ درصد است که نشان از مناسب بودن بازار کار مهاجران خارجی در مقایسه با اتباع ایرانی دارد. با توجه به محدودیت قانونی اشتغال بکار مهاجران خارجی در مشاغل خاص (مشاغلی که کمتر نیازمند تخصص و تحصیلات است) و انحصاری بودن مشاغلی که مهاجران خارجی در آن فعالیت می‌کنند، پایین بودن سطح میزان بیکاری مهاجران خارجی نسبت به اتباع ایرانی قابل توجیه است.

بیشترین میزان بیکاری اتباع ایرانی در سطح استان‌ها به استان کرمانشاه با ۲۵/۱ درصد و کمترین میزان بیکاری به استان خراسان جنوبی اختصاص دارد. در بین مهاجران خارجی، بیشترین میزان بیکاری به استان کرمانشاه با ۳۱/۶ درصد و کمترین میزان بیکاری به استان بوشهر و تهران به ترتیب با ۱/۸ و ۲/۲ درصد اختصاص دارد. در استان‌هایی که سهم بیشتری از مهاجران خارجی را در خود جای داده‌اند، میزان بیکاری اتباع غیر ایرانی در سطح پایینی قرار دارد. استان تهران، اصفهان، کرمان، قم، فارس، و بوشهر که سهم قابل توجهی از مهاجران خارجی را در خود جای داده‌اند، میزان بیکاری پایین‌تر از متوسط سطح میزان بیکاری مهاجران خارجی در کل کشور است. استان خراسان رضوی تنها استانی است که با سهم بالای مهاجران خارجی در آن، میزان

بیکاری در سطح بالاتری از سایر استان‌هایی است که سهم بالایی از مهاجران خارجی را در خود جای داده‌اند.

فارغ از سهم مهاجران خارجی در استان‌های کشور، استان‌های کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی، زنجان و گیلان از میزان بیکاری بالایی در بین اتباع ایرانی و اتباع غیر ایرانی برخوردارند. در استان‌های تهران، بوشهر، کرمان، مرکزی و فارس میزان بیکاری مهاجران خارجی در سطح پایین و در مقابل میزان بیکاری اتباع ایرانی در سطح بالایی قرار دارند. میزان بیکاری پایین‌تر از ۲ درصد در استان بوشهر که قطب انرژی کشور است، نشان می‌دهد که این استان ظرفیت پذیرش جمعیت فعال مهاجران خارجی را دارد. تفاوت حدود ۱۰ درصدی میزان بیکاری اتباع ایرانی و غیرایرانی در این استان می‌تواند نشانگر این امر باشد.



شکل ۳- توزیع استانی میزان اشتغال مهاجران خارجی و اتباع ایرانی، ۱۳۹۵

۳-۴- وضعیت اجتماعی مهاجران خارجی در ایران

میزان باسوادی پایین مهاجران خارجی چه در بین زنان و چه مردان در مقایسه با اتباع ایرانی از مهم‌ترین ویژگی وضعیت سواد مهاجران خارجی است. میزان باسوادی مهاجران خارجی ۶۴/۱ درصد است که در مقایسه با ۸۸/۱۳ درصد اتباع ایرانی حدود ۳۷/۵ درصد

پایین‌تر است. تفاوت میزان باسوادی مردان و زنان چه در اتباع ایرانی و چه اتباع غیر ایرانی وجود دارد. میزان باسوادی مهاجران خارجی در مناطق شهری ۶۴/۸ درصد است که در مقایسه با مناطق روستایی (۵۳ درصد) بالاتر است.

میزان باسوادی جوانان مهاجران خارجی ۷۶/۴ درصد است که از منظر جنس تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای وجود ندارد. اما سطح باسوادی جوانان مهاجران خارجی در مقایسه با جوانان اتباع ایرانی پایین‌تر است. به عبارتی، جوانان ایرانی ۹۸/۱ درصد باسوادند که در مقایسه با ۷۶/۴ درصد جوانان مهاجران خارجی که عمدتاً اتباع افغانستانی هستند در سطح بالاتری قرار دارند. به بیان دیگر، جوانان اتباع ایرانی توانمندتر از جوانان مهاجران خارجی هستند.

در رابطه با سالمندان نیز بایستی بر توانمند بودن سالمندان اتباع ایرانی در مقایسه با سالمندان مهاجران خارجی اذعان داشت. میزان باسوادی ۳۹/۱ درصدی سالمندان اتباع ایرانی در مقایسه با ۱۶/۸ درصدی میزان باسوادی سالمندان مهاجران خارجی شاهدهی بر این ادعا است. نکته‌ای که بایستی بدان توجه نمود، شکاف جنسیتی در میزان باسوادی سالمندان در بین اتباع ایرانی و خارجی است. میزان باسوادی مردان سالمند اتباع ایرانی حدود ۲۲ درصد از میزان باسوادی زنان سالمند اتباع ایرانی بیشتر است. این مهم در بین مهاجران خارجی شدیدتر است. به گونه‌ای که میزان باسوادی زنان سالمند یک‌سوم میزان باسوادی مردان سالمند است. نسل‌های جدید در مقایسه با نسل‌های سالمند کمتر در معرض تبعیض جنسیتی در برخورداری از تحصیل و آموزش بوده‌اند. این امر در بین مهاجران خارجی که عمدتاً اتباع افغانستانی هستند شدیدتر است.

جدول ۲- میزان باسوادی گروه‌های جمعیتی به تفکیک اتباع ایرانی و غیرایرانی، ۱۳۹۵

	تابعیت ایرانی			تابعیت غیر ایرانی		
	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن
کل کشور	۹۱/۶	۸۴/۶	۸۸/۱	۶۵/۵	۶۲/۴	۶۴/۱
شهری	۹۴	۹۱/۳	۸۸/۵	۶۸/۹	۶۷	۶۴/۸
روستایی	۸۴/۵	۷۸/۹	۷۳/۲	۵۳/۴	۵۳/۷	۵۳
جوانان (۱۵-۲۴)	۹۸/۳	۹۷/۹	۹۸/۱	۷۴/۵	۷۸/۳	۷۶/۴
سالمندان (۶۵+)	۵۲	۲۷/۲	۳۹/۱	۲۲/۸	۶/۴	۱۶/۸

جدول ۳ توزیع نسبی سطح تحصیلی جمعیت کل کشور، مناطق شهری و روستایی، زن و مرد، جوانان و سالمندان به تفکیک اتباع ایرانی و غیرایرانی نشان می‌دهد. از کل جمعیت باسواد کشور، ۲۸/۷ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۸/۱ درصد تحصیلات راهنمایی، ۸/۹ درصد تحصیلات متوسط، ۲۲ درصد تحصیلات دیپلم و پیش‌دانشگاهی و ۲۲ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. به‌طورکلی حدود ۴۴ درصد جمعیت اتباع ایرانی از تحصیلات دیپلم و بالاتر برخوردارند.

جدول ۳- سطح تحصیلات گروه‌های جمعیتی به تفکیک اتباع ایرانی و غیرایرانی، ۱۳۹۵

	تابعیت ایرانی						تابعیت خارجی							
	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم و پیش دانشگاهی	عالی	سایر	کل	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم و پیش دانشگاهی	عالی	سایر	کل
کل	۲۸/۷	۱۸/۱	۸/۹	۲۲	۲۲	۰/۴	۱۰۰	۵۷	۲۱/۱	۷/۳	۹/۴	۴/۵	۰/۶	۱۰۰
شهری	۲۴/۵	۱۶/۸	۸/۷	۲۳/۹	۲۵/۷	۰/۴	۱۰۰	۵۵/۶	۲۱/۲	۷/۶	۹/۹	۵/۱	۰/۶	۱۰۰
روستایی	۴۲/۴	۲۲/۵	۹/۴	۱۵/۷	۹/۵	۰/۵	۱۰۰	۶۳/۹	۲۰/۸	۶/۲	۶/۸	۱/۶	۰/۷	۱۰۰
مرد	۲۶/۹	۱۹/۵	۹/۷	۲۱/۶	۲۲	۰/۴	۱۰۰	۵۷/۳	۲۱/۶	۷/۲	۸	۵/۱	۰/۷	۱۰۰
زن	۳۰/۶	۱۶/۵	۷/۹	۲۲/۶	۲۲	۰/۴	۱۰۰	۵۶/۸	۲۰/۶	۷/۴	۱۱	۳/۷	۰/۵	۱۰۰
جوانان (۱۵-۲۴)	۶/۵	۱۴/۸	۲۲/۲	۲۸/۲	۲۷/۸	۰/۴	۱۰۰	۳۴/۶	۲۷	۱۷/۶	۱۵/۲	۵/۱	۰/۵	۱۰۰
سالمندان (۲۴-۶۵+)	۵۲/۵	۱۱/۷	۴/۷	۱۶/۲	۱۳/۸	۱/۱	۱۰۰	۶۱/۱	۹/۵	۳/۹	۸/۷	۱۵/۱	۱/۶	۱۰۰

از کل مهاجران خارجی باسواد، ۵۷ درصد دارای تحصیلات ابتدایی بوده و تنها ۱۴ درصد دارای تحصیلات دیپلم و عالی هستند. بنابراین، مهاجران خارجی از نظر سطح تحصیلات و آموزش از اتباع ایرانی در سطح بسیار پایینی قرار دارند. در بین اتباع ایرانی در مناطق شهری، الگوی آموزش به‌گونه‌ای بوده است که سهم آموزش عالی بیشتر و سهم آموزش ابتدایی کمتری بوده است. در مقابل، در مناطق روستایی سهم آموزش ابتدایی (۴۲/۴ درصد) بیشتر و سهم آموزش عالی از سطح تحصیلی (۹/۵ درصد) کمتر بوده است. در بین مهاجران خارجی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی سهم آموزش ابتدایی از سطوح تحصیلی بیشتر و سطح آموزش عالی کمتر بوده است. بالا بودن سهم آموزش عالی مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی بالاتر است که از این حیث بین اتباع ایرانی و خارجی اشتراک وجود دارد.

الگوی سطح تحصیلی جوانان مهاجران خارجی و ایرانی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. حدود ۵۵ درصد از جوانان اتباع ایرانی دارای تحصیلات عالی می‌باشند. این در حالی

است که ۱۰۵ درصد از جوانان مهاجران خارجی دارای تحصیلات عالی هستند. ۶/۵ درصد از جوانان اتباع ایرانی از سطح آموزش ابتدایی برخوردارند، درحالی که این مقدار برای جوانان مهاجران خارجی ۳۴/۶ درصد است. بنابراین، می توان بر پایین بودن سطح کیفی آموزش در بین جوانان مهاجران خارجی اذعان داشت. در بین سالمندان مهاجران خارجی و ایرانی سطح تحصیلی و آموزش از یکنواختی نسبی برخوردار است.

برخورداری از بیمه پایه و مکمل را می توان به عنوان یک متغیر نماینده ای که نشانگر برخورداری از حمایت اجتماعی باشد، استفاده نمود. نتایج نشان می دهد که ۹۱ درصد اتباع ایرانی از بیمه پایه برخوردار بوده اند. اتباع افغانستانی که بیش از ۹۵ درصد جمعیت مهاجران خارجی را تشکیل می دهند، ۱۳/۶۲ درصد از بیمه پایه درمانی برخوردار بوده اند. اتباع پاکستانی، عراقی و سایر اتباع خارجه به ترتیب با ۶۹/۵ درصد، ۵۳/۵ درصد و ۴۰ درصد از بیمه پایه برخوردار بوده اند. بنابراین، ۸۶/۳۸ درصد اتباع افغانی از بیمه پایه بی بهره بوده اند. این در حالی است که اتباع ایرانی تنها ۸/۷۴ درصد از بیمه پایه بی بهره بوده اند. محدودیت های حقوقی و قانونی مهاجران خارجی در دستیابی به شغل و فعالیت که به صورت غیرمستقیم منجر به محرومیت از برخورداری از بیمه تأمین اجتماعی می شود از یک سو و عدم تعهد کارفرمایان و صاحبان مشاغل در بیمه کردن مهاجران خارجی از مهم ترین دلایل پایین بودن سطح برخورداری از بیمه پایه است. در رابطه با بیمه مکمل نیز اتباع ایرانی اگرچه سطح پایینی از بیمه مکمل برخوردارند، ولی این میزان از برخورداری در مقایسه با اتباع افغانستانی بیش از سه برابر بیشتر است. سطح برخورداری از بیمه مکمل در بین اتباع عراقی در مقایسه با سایر مهاجران خارجی بیشتر است.

جدول ۴- توزیع نسبی برخورداری از بیمه پایه و مکمل اتباع ایرانی و خارجی به تفکیک نوع بیمه، ۱۳۹۴

درصد برخورداری از بیمه پایه	درصد برخورداری از بیمه پایه به تفکیک نوع بیمه								ایرانی	
	خدمات درمانی (غیر از بیمه روستایی)	خدمات درمانی (بیمه روستایی)	تأمین اجتماعی	نیروهای مسلح	کمیت امداد	سایر بیمه ها	فاقد بیمه پایه	نمی داند		
۹۰/۸۹	۱۵/۲۷	۲۱/۳۱	۴۲/۹۹	۳/۱۷	۰/۷۸	۷/۳۷	۰/۳۷	۸/۷۴	۲۰/۳۵	ایرانی
۱۳/۶۲	۳/۸۴	۲/۴۱	۳/۰۹	۰/۶	۰/۲	۳/۴۸	۰	۸۶/۳۸	۵/۶۲	افغانستانی

۲۰/۳۵

۵/۶۲

۵- نتیجه‌گیری

پدیده مهاجرت به خصوص مهاجرت بین‌المللی یکی از مهمترین موضوعاتی است که در رابطه با تأثیر آن تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت همواره مطرح بوده است. در دهه‌های اخیر به دلیل فزونی تعداد مهاجران بین‌المللی و نقش تعیین‌کننده آن در ساختار جمعیت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. مهاجرت در کنار سایر مولفه‌های پویایی جمعیت (باروری و مرگ‌ومیر) تأثیر مهمی در پویایی جمعیت کشور دارد. اما پیامدهایی اجتماعی، اقتصادی، روانی، فرهنگی و حتی امنیتی این پدیده سبب شده است که بیش‌تر از سایر مولفه‌های جمعیتی در مباحث جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

موج عظیم مهاجرت پناهندگان افغانستانی به ایران در دهه ۱۳۶۰ و عدم بازگشت بخش قابل توجه پناهندگان به کشور خود سبب شده است تا مطالعات کنونی در زمینه مهاجرت خارجی در ایران بیشتر بر مطالعه ویژگی‌های مهاجران و پیامدهای جمعیتی (انطباق ساختار سنی، جنسی، الگوی مرگ‌ومیر، الگوی باروری و ...)، اقتصادی (ساختار فعالیت اقتصادی و ...)، اجتماعی (ساختار تحصیلات و آموزش و ...) و فرهنگی (استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری، سازگاری اجتماعی و ...) مهاجرت افغان‌ها و سایر مهاجران خارجی متمرکز گردد. اغلب این مطالعات با هدف ایجاد زمینه‌های شناختی برای سیاست‌گذاری جهت مواجهه با پیامدهای مذکور بوده است.

برخورداری از ساختار سنی جوان، برتری تعداد مردان بر زنان در کل گروه‌های سنی، بالا بودن میزان اشتغال و در مقابل پایین بودن سطح بیکاری، سطح پایین تحصیلی، برخورداری بسیار پایین از تأمین اجتماعی (برخورداری از بیمه پایه و مکمل) از مهم‌ترین نکات مطالعه ویژگی‌های اتباع خارجه در ایران است. با فرض طبقه‌بندی ویژگی‌های مذکور در قالب یک مقوله کلان به نام موقعیت اقتصادی و اجتماعی، می‌توان به پایین بودن سطح موقعیت اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی در مقایسه با جمعیت بومی اذعان داشت. شایان ذکر است که اغلب مهاجران خارجی در ایران در ابتدا در بستر پناهندگی به ایران مهاجرت نموده‌اند و سپس با سیاست‌های مهاجرتی کشور در رابطه با امکان بازگشت به کشور مبدأ به عنوان مهاجران خارجی تلقی شده‌اند. از این‌رو، نتایج مذکور در اغلب موارد متوجه پناهندگان افغانستانی است که در کشور مانده‌اند. با عنایت به این موضوع، می‌توان بر صحت‌گذاری نتایج این پژوهش بر چارچوب‌های نظری و

ادبیات پژوهشی که بر پایین بودن سطح اقتصادی و اجتماعی اکثریت مهاجران خارجی و انگیزه برای بهبود وضعیت به عنوان عامل مهاجرت در این گروه از افراد، اذعان داشت. انطباق در ساختار اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مهاجران خارجی با جامعه مقصد و همچنین استراتژی‌های انتخابی مهاجران در فرهنگ‌پذیری جامعه مقصد از مهم‌ترین موضوعاتی است که در نظریه‌پردازی‌ها و رویکردهای نظری تبیین ابعاد مهاجرت بدان پرداخته شده است.

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در انطباق ساختار اجتماعی اتباع ایرانی و غیرایرانی قابل توجه است، ساختار تحصیلات و آموزش است. برآیند نتیجه بررسی تطبیقی سطح آموزش و تحصیلات اتباع ایرانی و غیرایرانی حکایت از پایین بودن سطح تحصیلات مهاجران خارجی دارد. بنابراین، یکی از پیش‌زمینه‌های ایجاد انطباق اجتماعی و فرهنگی مهاجران خارجی با ساختار اجتماعی ایران، برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح تحصیلات و به تبع آن توانمندی سطح سرمایه فرهنگی است.

بررسی تطبیقی ساختار اشتغال اتباع ایرانی و غیرایرانی نشان داد که مهاجران خارجی میزان اشتغال بالاتری نسبت به اتباع ایرانی دارند. این مهم در اغلب استان‌های کشور نیز حکمفرماست. شاید دلایل این برتری را باید در محدودیت در اشتغال مهاجران خارجی در مشاغل خاص و وجود بازار کار این مشاغل برای مهاجران خارجی و همچنین تورم جمعیت مهاجران خارجی در سنین فعالیت اقتصادی جستجو کرد. به نظر می‌رسد تسهیل برخورداری از همه مشاغل کشور برای مهاجران خارجی نیز بتواند کمک شایان توجهی را در سازگاری اجتماعی و فرهنگی آنها با جامعه ایرانی را ایفاء نماید.

میزان باروری کل و الگوی سنی فرزندآوری اگرچه متغیری جمعیتی است ولی می‌توان از آن به عنوان متغیر جایگزینی یاد کرد که نشان از تفاوت در بسترهای اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز تحولات باروری دارد. بررسی تطبیقی میزان باروری کل اتباع ایرانی و غیرایرانی نشان می‌دهد که میزان باروری کل مهاجران خارجی دوبرابر بیشتر از اتباع ایرانی است. از این‌رو، در نگاه کلی، ساختار باروری و ساختار جمعیت مهاجران خارجی با اتباع ایرانی سازگاری کاملی ندارد. با این وجود، بایستی بر تفاوت‌های نسلی در الگوی باروری نیز توجه نمود چراکه تفاوت‌های باروری نسلی خود نشان‌گر تفاوت‌های سبک زندگی و تفکرات و ارزش‌های اجتماعی است. بنابراین می‌توان از تفاوت‌ها و یا همسانی الگوی باروری نسل‌های دوم و سوم مهاجران خارجی با اتباع ایرانی به عنوان شاخصی

برای سازگاری اجتماعی و فرهنگی استفاده نمود. با توجه به اینکه در سرشماری ۱۳۹۵ محل تولد افراد سوال نشده است، امکان پرداخت به ویژگی نسل‌های دوم و سوم مهاجران خارجی فراهم نبوده است. اما نتایج تحقیقات صادقی (۱۳۹۰)، نشان از سازگاری الگوی باروری و به طور کلی ساختار اجتماعی-جمعیتی نسل‌های دوم و سوم مهاجران خارجی با اتباع ایرانی دارد. بر این اساس، شاید بتوان گفت که با گذشت زمان و پیرنگ‌تر شدن نقش نسل‌های دوم و سوم مهاجران خارجی در فضای اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و فرهنگی زمینه برای سازگاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهاجران خارجی با جامعه ایران فراهم خواهد شد.

توضیحات

1. International Migration
2. Globalization
3. De-assimilation
4. Middle Class
5. Upward Social Mobility
6. Underclass

مرجع‌ها

- [۱] برومند زاده، محمد رضا؛ نوبخت، رضا (۱۳۹۳). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، شماره فصلنامه جمعیت، ۸۹ و ۹۰، صص ۷۳-۹۰.
- [۲] پوررضا انور، مریم (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی مهاجران خارجی در سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، تهران، پژوهشکده آمار.
- [۳] پرویش، تکتم (۱۳۸۲). مقایسه باروری مهاجرین افغانی با ایرانی‌ها ساکن در گلشهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- [۴] جمشیدیها، غلامرضا؛ عنبری، موسی (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۴۳-۶۸.

- [۵] جمشیدیها، غلامرضا؛ علی‌بابایی، یحیی (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۷۱-۹۰.
- [۶] حکیمی، محمدهادی (۱۳۸۳). بررسی وضعیت حقوقی ازدواج مختلط افغانی با ایرانی، انتشارات نور علم.
- [۷] روکی، فاطمه (۱۳۸۳). وضعیت حقوق آوارگان افغانی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- [۸] زارع شاه‌آبادی، علیرضا (۱۳۸۲). نقش مهاجرین عراقی ساکن شهر یزد در آسیب‌های اجتماعی این شهر، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال اول، شماره ۲، صص ۵۷-۷۲.
- [۹] زاهدی، محمدجواد؛ انصاری، ابراهیم؛ ملکی، امیر؛ حمیدیان، اکرم (۱۳۹۴). سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی در کلان‌شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات جامعه-شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۶، شماره ۱۷، صص ۵۷-۸۸.
- [۱۰] زنجان، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- [۱۱] صادقی، رسول (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مهاجران خارجی در ایران بر مبنای داده‌های سرشماری ۱۳۸۵، پژوهشکده آمار، تهران.
- [۱۲] صادقی، رسول (۱۳۹۰). سازگاری اجتماعی- جمعیتی نسل دوم افغان‌ها در ایران، نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره ۴۲ و ۴۳، صص ۱۰۱.
- [۱۳] صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، ققنوس، تهران.
- [۱۴] صلاحی، جواد؛ میرزایی، حسین (۱۳۸۷). تحلیل تمرکز جغرافیایی مهاجران (اتباع) خارجی در ایران، پژوهشکده آمار، تهران.
- [۱۵] علی‌اکبری، اسحق (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی مهاجرین افغانستانی (مطالعه موردی: مهاجرین افغانستانی ساکن شهر اصفهان)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۱۶] فروزنده تبریزی، نسترن (۱۳۹۲). سنجش میزان انطباق‌پذیری فرهنگی- اجتماعی مهاجران ایرانی جامعه مقصد (مطالعه موردی: ایرانیان مهاجر ساکن شهر وین کشور اتریش)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.

- [۱۷] گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی پیر بورديو، ترجمه محمدمهدی لیبی، افکار، تهران
- [۱۸] لهسابی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، انتشارات نوید، شیراز.
- [۱۹] محمودیان، حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۴، صص ۴۲-۶۹.
- [۲۰] محمودی، محسن، (۱۳۷۳)، بررسی وفور و شیوع انگل‌های روده‌ای در جمعیت مهاجرین افغانی معاودین عراقی و ایرانیان ساکن اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد انگل‌شناسی پزشکی، دانشگاه تهران.
- [۲۱] معتمدی، سیدهادی؛ نیکیان، یداله؛ رضازاده، سعداله (۱۳۸۲). بررسی میزان شیوع افسردگی در پناهندگان افغانی مقیم در اردوگاه بردسیر کرمان، توانبخشی، شماره ۱۲.
- [۲۲] ویکس، جان (۱۳۸۵). جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه الهه میرزایی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- [۲۳] هدایت، محمود. (۱۳۶۵). مهاجرت خارجی و علی و آثار آن در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی معاونت امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- [24] Abbasi-shavazi, M.J., and Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural Adaptation of Second-generation Afghans in Iran, *International Migration* 53(6), 89-110.
- [25] Abbasi-Shavazi, M.J., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., and Sadeghi, R. (2008). The Second Generation Afghans in Iran :Integration, Identity and Return, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- [26] Abbasi-Shavazi, M.J., Glazebrook, D., Mahmoudian, H., Jamshidiha, G., and Sadeghi, R. (2005a). Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.
- [27] Abbasi-Shavazi, M.J., Glazebrook, D., Mahmoudian, H., Jamshidiha, G., and Sadeghi, R. (2005b). Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Tehran, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.

- [28] Abbasi-Shavazi, M.J., Glazebrook, D., Mahmoudian, H., Jamshidiha, G., and Sadeghi, R. (2005c). Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Zahedan, Kabul: Afghanistan and Research Evaluation Research.
- [29] Bengtson, J.D. et al. (2013). Reintegration and Remigration: A study on social stigmas and labor discrimination against Guatemalans deported from the United States, Migrant Peacebuilding project, June–August 2013.
- [30] Berry, J.W. (2008). Acculturation and Adaptation of Immigrant Youth, *Canadian Diversity*, 6(2), 50–54.
- [31] Berry, J.W., and Sabatier, C. (2010). Acculturation, discrimination, and adaptation among second generation immigrant youth in Montreal and Paris. *International Journal of Intercultural Relations*. 34, 191–207.
- [32] Bourhis, R.Y., Moise, L.C., Perreault, S. and Senecal, S. (1997). Towards an interactive acculturation model: A social psychological approach. *International journal of psychology*, 32(6), 369–386.
- [33] Castles, S., and Miller, M. (2003). The Age of Migration, 3rd edition, MacMillan, London Stigter, Elca and Alessandro Monsutti (2005) Transnational Networks: Recognising a Regional Reality, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- [34] Coleman, D., (2006). Immigration and Ethnic Change in Low Fertility Countries: A Third Demographic Transition, *Population and Development Review*, 32(3).
- [35] De Haas, H. and Fokkema, T. (2011). The Effects of Integration and Transnational Ties on International Return Migration Intentions, *Demographic Research*, 25, 755–782.
- [36] De Haas, H., Fokkema, T., and Fassi Fihri, M. (2009). Return Migration as Failure or Success? The Determinants of Return Migration Intentions among Moroccan Migrants in Europe, Paper to

be presented at XXVI IUSSP International Population Conference, Marrakesh.

- [37] Fassi Fihri, M. and Fokkema, T. (2009). Return Migration Intentions of Moroccan Residents in Europe, IUSSP 2009, Morocco.
- [38] Flannery, W.P., Reise, S.P., and Yu, J. (2001). An Empirical Comparison of Acculturation Modes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(8).
- [39] Gordon, M.M. (1964). Assimilation in American life. New York, Oxford University Press.
- [40] Górný, A., and Osipovič, D. (2006). Return Migration of Second-generation British Poles', CMR Working Papers No. 6/64. Warsaw: OBM UW.
- [41] International Labour Organization (2013). Reintegration with Home Community: Perspectives of Returnee Migrant Workers in Sri Lanka, ILO Country Office for Sri Lanka and the Maldives (July 2013).
- [42] International Organization for Migration (2018). World Migration Report.
- [43] Kronenfeld, D.A. (2011). Can Afghanistan Cope with Returnees? Can Returnees Cope in Afghanistan? A Look at Some New Data, Middle East Institute FRS (c).
- [44] Lee, E. (1966). A Theory of Migration. *Demography*, 3(1), 47-57.
- [45] Marieke, R.R., Hout, V., and Davids, T. (2009). What Determines the Embeddedness of Forced return Migrants? Rethinking the Role of Pre- of Post-Return Assistance, *IMR*, 43(4), 908-963.
- [46] Massey, D.S., Arago, J., Hugo, G., Kouaouci, K., Pellegrino, A., and Taylor, J.E. (1993). Theories of International Migration: A review and appraisal, *Population and Development Review*, 19.

- [47] Massey, D.S., Arago, J., Hugo, G., Kouaouci, K., Pellegrino, A., and Taylor, J.E. (1998). *World in motion: understanding international migration at the end of the millennium*, Oxford: Oxford University.
- [48] Massey, D.j., and et. al. (1993). Theories of International migration: a Review and Appraisal. *Population and Development Review*, 19(3).
- [49] Portes, A., and Zhou, M. (1993). The New Second Generation: Segmented Assimilation and Its Variants, *Annals of the American Academy of Political and Social Sciences* 530.
- [50] Portes, A., and Rumbaut, R.G. (2001). *Legacies: The story of the Immigrant Second Generation*. Berkeley: University of California Press; New York, Russell Sage Foundation.
- [51] Portes, A. and Rumbaut, R.G. (2001). *Legacies: The Story of the Immigrant Second Generation*. Berkeley, CA: University of California Press and Russell Sage Foundation.
- [52] Sjaastad, L.A. (1962). The Cost and Returns of Human Migration. *Journal of Political Economic Development and Cultural change*. 36.
- [53] Todaro, P.M. (1976). *Internal Migration in Developing Countries*. Geneva: International Labor Office.
- [54] Waldorf, B. (1995). Determinants of International Return Migration Intentions, *The Professional Geographer*, 47(2), 125-136.

محمد شیرینی

دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده آمار
تهران، خیابان فاطمی، خیابان باباطاهر، خیابان فکوری، شماره ۱۴۵، پژوهشکده آمار.
رایانشانی: mshiri@src.ac.ir

رسول صادقی

دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه تهران
تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
رایانشانی: rassadeghi@ut.ac.ir